

حسن و ثوق

میرزا حسن و ثوق (و ثوق الدوله) فرزند میرزا ابراهیم معتمد السلطنه و پسر

زاده میرزا محمد آشتیانی
(قوام الدوله) است .
میرزا محمد قوام الدوله
در جنگ مرو پیشکار
شاهزاده حمزه میرزا
حشمة الدوله و مسبب
آن شکست تاریخی
بوده است (۱) .



حسن و ثوق بسال
۱۲۹۲ هجری قمری
در تهران زاد. چون بسن
رشد رسید سالها در نزد
اساتید برجسته پایتخت
همت بتحصیل داش و
ادب و تتبع اصول و فروع

۱ - خان خوارزم پس از نادرشاه برای خودسری رفت . خوارزمیان و ترکمانان دیگر مدام برای غارت بیلاذ شمال شرقی ایران میآمدند . ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۶ هجری قمری اردوئی بسرکوبی ایشان فرستاد .

امراء خراسان که از سوء رفتار میرزا محمد رنجیده بودند متجاسرین را قویدل کردند و ایشان شبانه مرورود (مرغاب) را بصحرا انداخته بر اردو شبیخون زدند . پنجاه هزار قشون بسا اسلحه و مونیسیون نزدیک مرو شاهجان بیاد رفت و در نتیجه این شکست ننگین یکی از شهرستانهای پهناور و آباد خراسان بدست روس افتاد .

بیشتر لشکریان ایران کشته و اسیر شدند . در شهرستان ری و اراک و استان خراسان و آذربایجان خاندانی نبود که بانگ شیون زنان در سوگ شوهران و برادران و پسران و فرزندانشان بلند نباشد .

آن مصروف داشت. لحظه‌ای از اکتساب اصناف علوم و استحصال انواع فنون نیاسود روزها را بمباحثه و شبها را بمطالعه میگذرانید. تاخواست و دانست و توانست در حفظ اشعار اساتید و کسب مراتب و معارف عصریه و ضبط قواعد عربیه و ادبیه کوشید. در ریاضیات و هیت و نجوم و کلام و منطق و فلسفه دید. در حسن خط که زینت ظاهر را نیکو پیرایه‌ایست بدرجه‌ای رسید که چند قلم را خوش مینوشت. طبعش بمطالعه توارینخ راغب و اخبار و سیرطوائف و امم را بجان طالب.

حسن وثوق، پس از آنکه در فنون معارف مقدم اشباه و امثال گ. ردید و از ادبیات زبان پارسی و تازی سرمایه شکر فی اندوخت، در بیست سالگی بخدمت وزارت دفتر داخل شد. و بواسطه مهارتی که در علم سیاق و نگاشتن حساب داشت در اندک زمانی بمقام سررشته داری رسید. سالها مستوفی ایالت آذربایکان و مرجع امور مالی آن استان پهناور بود. بلقب وثوق الدوله و تشریف تمثال همایون نائل گردید. شادروان مظفرالدین شاه در اعیاد رسمی که مستوفیان و سررشته داران بسا شال و کلاه و جبهه آستین دراز ترمه بدربار میرفتند و وثوق الدوله را که میدید بترکی

میکفت: «منم مستوفیم ده». ^{گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی} انجباط ایران از پایانهای روزگار پادشاهی ناصرالدینشاه آغاز و در ده سال سلطنت مظفرالدینشاه بواسطه ضعف و بیحالی که داشت سریع شد و کار خرابی بسا گرفت. و لخرجی‌های ابن پادشاه خزانه دولت را تهی کرد و قرضهائی که از روس میشد بر تسلط و نفوذ آن دولت در ایران میافزود.

روشنفکرانی که اروپا و امریکا را دیده بودند و چند روزنامه‌ای که در داخل ایران بزبان پارسی طبع و نشر میشد تا اندازه‌ای مردم از کاروان ترقی عقب افتاده ایران را بمقتضیات زمان آگاه میکرده میگفتند و می‌نشتند که: این کشور پهناور باستان بواسطه محل آن اهمیت بسیار دارد و اراده ایرانیان در امور جهان دخل و تصرف کلی داشته است. اما انقلابات زمان این وضع را تغییر داده و زمام اختیار کره زمین را در کف مردم اروپا و امریکا نهاده اگر خوبست و اگر بد بنقد چنین است پول و زور و علم

دارند و هر چه میخواهند میکنند . پس از این سایر اقوام و امم تنها کاری که بتوانند بکنند این است که خود را نگاهدارند و هر يك از اقوام شرقی که بخواهد در عالم غریبان مستهلك نشود و از میان نرود . باید با قبول تمدن جدید گامهای وسیع در راه اصلاحات بردارد . و صلاح ایران و ایرانی این است که بسوی علم و تمدن گراید و مدار کارها عدل و داد و حرف حسابی شود . تخم فضل و دانش بکارند و فاضل و دانا بعمل آرند، گویندگان با خبر و نویسندگان با هنر با شیپور طلافت لسان و قوت قلم کار نفع صور کنند .

از این رو رفته ، رفته افکار مردم از خرابی دربار و بدی احوال کشور پریشان شد طالب و جویای اصلاح گشتند . روحانیان هم برخی از روی حسن نیت و برخی دیگر برای افزایش اعتبار و سلطه خود با افکار اصلاح طلبان موافقت و هم آهنگی نمودند . چون صدراعظم : عبدالمجید میرزای عین الدوله ؛ در صدد جلو گیری از بروز افکار نوین برآمد کار تبلیغات بر ضد او و سیاستش در تهران و ولایات بالا گرفت و در نتیجه میرزا نصرالله خان نائینی ، مشیر الدوله ، که طرف اعتماد اصلاح طلبان بود بصدارت رسید و در ۱۴ جمادی دوم سال ۱۳۲۴ هجری قمری فرمان استقرار مشروطیت صادر و مقرر شد مجلسی بنام شورای ملی در قصر بهارستان تشکیل شود و قوانینی برای اداره امور کشور وضع گردد .

پس از آنکه رژیم حکومت ایران تغییر کرد ، وثوق الدوله بنمایندگی نخستین دوره تقنینیه انتخاب شد . و چون انتخاب آن دوره صنفی و طبقاتی بود ، فقط چند تن از رجال روشنفکر (صنیع الدوله ، سعد الدوله ، وثوق الدوله ، مخبر الملک و ممتاز الدوله) در مجلس شورای ملی آشنائی با اصول مشروطیت داشتند .

در آن روز کار استخدام رسمی ورتبه و اشل و لیست و پرداخت ماهیانه ای در کار نبود ، هر کس از دیوان مواجب سالیانه و جیره و عالیقی داشت که بخرج رکاب یا ایالات و ولایات میآمد و از دفتر براتی صادر میشد ولی وصولش بسته بموقعیت اجتماعی و تردستی صاحب مواجب بود که بتواند تمام آنرا بگیرد یا برات را توهمانی

سه ریال بصرافان ودلالان حکام ومالکین متنفذ بفروشد .
 مجلس شورای ملی که نمایندگان در نخستین دوره صمیمیت وحسن نیت داشتند
 اصلاح بودجه دولت و توازن دخل و خرج مملکت را در کمیسیون بریاست حسن
 وثوق الدوله مبلغ هنگفتی از مواجب شاهزادگان ووزراء و امراء و درباریان و
 مستخدمین کشوری و لشکری کاستند . رقیبان وثوق الدوله بر او خرده گرفتند که :
 چرا از حقوق کزافی که خود و بستگانش از خزانه خالی این دولت ورشکسته میبرد
 چیزی کسر نکرده است ؟ ملك المتکلمین میرزا نصرالله بهشتی اسپهانی ، که خطیب
 دوره انقلاب و ناطق بی بدلی بود مقاله ای در روزنامه مجلس که بمدیریت سید محمد
 صادق طباطبائی منتشر میشد نبشت ومبلغی از مواجب وثوق الدوله را بخشید .

ناتمام



قاضی قم

در روزگار آل بویه قاضی بود بمقم که صاحب کافی اسماعیل بن عباد الرازی
 وزیر شهنشاه را در نسک و تقوی او اعتقادی بود راسخ ، و يك يك برخلاف این از وی
 خبر میدادند وصاحب را استوار نمیآمد ، تا از ثقات اهل قم دو مقبول القول گفتند که :
 در خصوصتی که میان فلان وبهمان بود قاضی پانصد دینار رشوت بستد . صاحب را عظیم
 مستکبره آمد ، بدو وجه : یکی از کثرت رشوت ودوم ازدلیری وبی دیانتی قاضی .
 حالی قلم برگرفت ونبشت :

بسم الله الرحمن الرحيم ، ايها القاضي بمقم ! قدء - زلناك قم . - وفضلاء دانند
 وبلغا شناسند که این کلمات در باب ایجاز وفصاحت چه مرتبه دارد .

- احمد بن عمر النظامی العروسی -